

مطالعه رشد انسان

فرایند رشد (development) از لحظه لقاح آغاز می‌شود. مطالعه رشد انسان به مطالعه علمی فرایندهای تغییر و ثبات در طول رشد اطلاق می‌شود. اهداف مطالعه رشد انسان، توصیف، تبیین، پیش‌بینی و اصلاح رفتار است.

متخصصان رشد به مطالعه دو نوع تغییر رشدی می‌پردازند: **تغییرات کیفی و کمی**. تغییرات کمی، تغییر در تعداد و مقدار است؛ مانند وزن و قد، خزانه لغات، رفتار پرخاشگرانه، تعداد مکالمات. تغییرات کیفی شامل تغییر در نوع، ساختار یا سازمان است؛ مثل تغییر ارتباط غیرکلامی به کلامی.

متخصصان رشد به مطالعه ثبات زیربنایی شخصیت و رفتار هم علاقه دارند. ظاهراً خصوصیات شخصیتی (مثل کم‌رویی در برابر بی‌باکی) از ثبات نسبی برخوردار هستند، به خصوص در کودکانی که در یکی از دو انتهای طیف مربوط به هر صفت قرار دارند. به نظر می‌رسد ابعاد گسترده شخصیتی، پیش از جوانی یا در خلال آن ثبات می‌یابند.

تغییر و ثبات، در حیطه‌های مختلف رشد یا ابعاد گوناگون خویشتن دیده می‌شود که شامل سه حوزه **رشد جسمانی، رشد شناختی و رشد روانی-اجتماعی** است. هر یک از این حیطه‌ها بر دیگری اثرگذار است و در تمام طول عمر از اهمیت برخوردار است.

رویکردهای اولیه در مطالعه رشد

نخستین تلاش‌ها در زمینه مطالعه علمی رشد، **زندگی‌نامه‌های اطفال** بوده است که در آن‌ها فرایند رشد و تحول کودک در دوران طفولیت ثبت می‌شد. این قبیل مشاهدات، ماهیتی گمانه‌پردازانه داشتند. **داروین** برای نخستین بار به ماهیت تحولی رفتار اطفال اشاره کرد. یادداشت‌های او درباره رشد پسرش، به زندگی‌نامه‌های اطفال ماهیت علمی بخشید. از این جهت، داروین را **پیشگام مطالعه علمی کودک** می‌دانند.

در پایان قرن نوزدهم، چند عامل مختلف، مقدمات مطالعه علمی رشد کودکان را فراهم کردند، از جمله مجادله بر سر اهمیت نسبی طبیعت و تربیت، و بررسی نیازهای رشدی کودکان. **هال و گزل**، بر اساس **دیدگاه تکاملی داروین** نظریه‌های کودکی را مطرح کردند و بر نقش طبیعت در رشد کودک تأکید کردند. آن‌ها با اتخاذ یک **رویکرد هنجاری**، ویژگی‌های کودکان را بررسی و با میانگین رشد عادی مقایسه می‌کردند. از این جهت، هال را **بنیان‌گذار جنبش مطالعه کودک** می‌نامند.

تا اوایل قرن بیستم، نوجوانی یک دوره رشدی مجزا تلقی نمی‌شد، تا زمانی که هال از دوره نوجوانی سخن گفت. هال همچنین از نخستین روان‌شناسانی بود که به مطالعه پیری پرداخت. مدت‌ها بعد افرادی همچون شای، وایلانت، لویپسون و هلسون به انجام مطالعاتی در زمینه رشد در بزرگسالی و پیری پرداختند.

رشد در فراخنای زندگی

این مفهوم که رشد و تحول فرایندی مادام‌العمر است و می‌توان آن را به شیوه علمی مطالعه کرد، به **«رشد در فراخنای زندگی»** معروف است. مطالعات مربوط به فراخنای زندگی از برنامه‌هایی آغاز شد که هدف آن‌ها پیگیری رشد و تحول کودکان تا سنین بزرگسالی بود. از مهم‌ترین آن‌ها، مطالعات استنفورد درباره کودکان سرآمد است؛ که هدف آن پیگیری روند رشد افرادی بود که در کودکی هوش خارق‌العاده داشتند و اکنون در سنین پیری بودند.

تقسیم زندگی به دوره‌های مختلف یک **سازه اجتماعی** است؛ یعنی باوری درباره ماهیت واقعیت که مبتنی بر برداشت‌ها و مفروضات ذهنی مشترک در میان اعضای جامعه‌ای معین است و در یک برهه زمانی خاص، پذیرش عام دارد. بر این اساس، تقسیم‌بندی‌های سنی، تقریبی و قراردادی هستند؛ به خصوص درباره دوران بزرگسالی که هیچ رویداد اجتماعی یا جسمانی مشخصی وجود ندارد که بر اساس آن مرز ورود از یک دوره به دوره دیگر را مشخص کنیم. علاوه بر این، بین افراد در مواجهه با رویدادهای خاص هر دوره، تفاوت فردی وجود دارد. با این حال، متخصصان رشد معتقدند در هر دوره ارضای یک سری نیازهای اساسی خاص اهمیت دارد و فرد باید بر تکالیف رشدی خاصی تسلط یابد.

عوامل مؤثر بر رشد

علاوه بر مطالعه فرایندهای رشدی که ماهیت جهان‌شمول دارند، در روان‌شناسی رشد به بررسی تفاوت‌های فردی در رشد و تحول نیز پرداخته می‌شود. در این بخش به عوامل مؤثر بر این تفاوت‌های فردی می‌پردازیم.

● وراثت، محیط و رشد

برخی از عوامل مؤثر در رشد و تحول از **وراثت** ناشی می‌شوند، یعنی میراث ژنتیکی که فرد از والدین خود به ارث می‌برد. باقی عوامل از **محیط** ناشی می‌شوند، یعنی تمام عوامل غیروراثتی یا تجربی که بر فرایند رشد تأثیر دارند. به موازات رشد فرد، تفاوت‌های فردی در ویژگی‌های فطری و تجارب زندگی برجسته‌تر می‌شوند. بسیاری از تغییرات معمول دوران طفولیت و کودکی، پیوستگی زیادی با رشد بدن و مغز دارند. **«رشد»** (maturation) یعنی بارز شدن تغییرات متوالی جسمانی و الگوهای رفتاری طبیعی بر اساس برنامه زیستی، از قبیل آمادگی برای تسلط بر توانایی‌های جدید، مثل راه رفتن.



حتی در فرایندهای رسی که تمام افراد از سر می‌گذرانند، از لحاظ میزان و زمان بروز آن‌ها تفاوت فردی وجود دارد. نقاط عطف فرایند رشد، یعنی متوسط سن بروز یک رویداد خاص (مثل زمان بیان نخستین کلمه) صرفاً جنبه تقریبی دارند.

● عوامل بافتی

هنگام صحبت از عوامل محیطی، باید به **عوامل بافتی** عمده‌ای که بر رشد تأثیر دارند، توجه ویژه‌ای کنیم. این عوامل عبارت‌اند از خانواده، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و محله زندگی، فرهنگ و نژاد، زمینه تاریخی.

خانواده می‌تواند **هسته‌ای یا گسترده** باشد. خانواده هسته‌ای، واحدی متشکل از دو نسل است که از یک یا دو والد و فرزندان اصلی یا فرزندخوانده‌ها تشکیل می‌شود. از نظر تاریخی اغلب خانواده‌ها در جوامع غربی، هسته‌ای بوده‌اند. خانواده گسترده شامل شبکه‌ای از خویشاوندان است که هر روز با هم مرادوه دارند یا گاهی با هم زندگی می‌کنند. خانواده گسترده یک الگوی سنتی است که در جوامعی نظیر جوامع آسیایی دیده می‌شود.

«**وضعیت اجتماعی-اقتصادی (SES)**» شاخصی است که شامل چند عامل از جمله درآمد، تحصیلات و شغل است و برای توصیف یک فرد یا خانواده به کار می‌رود. معمولاً خود وضعیت اجتماعی-اقتصادی نیست که بر پیامدهای رشدی تأثیرگذار است، بلکه عوامل مرتبط با آن، مثلاً محله زندگی و کیفیت تغذیه، بر پیامدها تأثیر می‌گذارند. برای مثال، فقر با مشکلات هیجانی یا رفتاری در ارتباط است، اما اثرات آن می‌تواند غیرمستقیم و از طریق وضعیت هیجانی والدین یا شیوه‌های فرزندپروری آن‌ها باشد. در زمینه تأثیر ساختار محله بر رشد و تحول، به نظر می‌رسد مؤثرترین عوامل عبارت‌اند از **میانگین سطح درآمد و سرمایه انسانی**. سرمایه انسانی یعنی حضور بزرگسالان تحصیل کرده و شاغل که پایه‌های اقتصادی جامعه را بنا نهاده و الگوی کودک باشند. در صورت وجود چند عامل خطر به شکل هم‌زمان، بهزیستی کودک بیشتر در معرض خطر قرار می‌گیرد. **عوامل خطر** شرایطی است که احتمال بروز پیامدهای رشدی منفی را افزایش می‌دهد، مثل عدم وجود حمایت اجتماعی.

فرهنگ به شیوه کلی زندگی یک اجتماع یا گروه اطلاق می‌شود که آداب و رسوم، سنت‌ها، باورها، ارزش‌ها، زبان، و همچنین محصولات فیزیکی را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، فرهنگ عبارت است از تمام رفتارهای آموخته شده‌ای که از والدین به فرزند می‌رسد. فرهنگ یک پدیده پویاست که از طریق ارتباط با سایر فرهنگ‌ها تغییر می‌کند.

قومیت گروهی از افرادی هستند که نیاکان، نژاد، مذهب، زبان یا ریشه ملیتی مشترکی دارند که باعث احساس هویت مشترک در آن‌ها می‌شود. واژه **نژاد** که در گذشته یک طبقه زیست‌شناختی محسوب می‌شد، امروزه همانند قومیت، یک طبقه اجتماعی تلقی می‌شود.

زمینه تاریخی به تاریخچه رشدی فرد اشاره دارد. برخی تجارب خاص که به زمان و مکان خاصی مربوط هستند، فرایند زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مثل رکود اقتصادی و جنگ.

عوامل بهنجار و نابهنجار مؤثر بر رشد

رویداد بهنجار، رویدادی است که بیشتر افراد یک گروه با آن به گونه‌ای یکسان مواجه می‌شوند. **تأثیرات هنجار وابسته به سن**، شامل رویدادهایی است که در افراد هم‌سن مشابهت بسیاری دارند. این عوامل هم رویدادهای زیستی (مثل بلوغ) و هم رویدادهای اجتماعی (مثل ازدواج) را شامل می‌شوند. زمان بروز رویدادهای زیستی کمابیش قابل پیش‌بینی است، اما درباره رویدادهای اجتماعی تغییرپذیری بیشتری دیده می‌شود. **تأثیرات هنجار وابسته به تاریخ**، شامل رویدادهایی است که برای یک «**گروه هم‌دوره**» (cohort) رخ می‌دهد. گروه هم‌دوره یعنی گروهی از افراد که در یک محدوده زمانی خاص، مثلاً دوره رکود اقتصادی یا جنگ، متولد می‌شوند.

تأثیرات نابهنجار، رویدادهای غیرمعمولی هستند که بر زندگی اشخاص تأثیر عمیقی می‌گذارند. این رویدادها یا وقایع معمول هستند که در زمان نامعقول رخ می‌دهند، مثل مرگ والدین در کودکی؛ یا رویدادهای غیرمعمول هستند، مثل مواجهه با حملات تروریستی. این رویدادها می‌توانند خوشایند نیز باشند، مثل برنده شدن در بورس تحصیلی. غالباً خود افراد در بروز رویدادهای نابهنجار نقش دارند، مثل پرداختن به ورزش‌های خطرناک.

دوره‌های بحرانی یا حساس

لورنز یک جانورشناس بود که نشان داد اردک‌ها پس از تولد به طور غریزی نخستین شیء متحرکی را که می‌بینند، با تصور اینکه مادرشان است، دنبال می‌کنند. این پدیده «**نقش‌پذیری**» (imprinting) نامیده می‌شود که از نظر لورنز، فرایندی خودکار و بازگشت‌ناپذیر است. معمولاً این پیوند غریزی با مادر برقرار می‌شود، اما اگر در روند طبیعی رویدادها خللی وارد شود، ممکن است دلبستگی با منابع دیگری به جز مادر باشد، یا اصلاً نباشد.

نقش‌پذیری نتیجه برخورداری از پیش‌زمینه‌ای برای یادگیری است، یعنی نوعی آمادگی در دستگاه عصبی برای اکتساب اطلاعات خاص در طی یک دوره حیاتی. «**دوره حیاتی**» (critical period) یک دوره زمانی خاص است که در آن پیش‌آمدن یا نیامدن رویدادی خاص، تأثیر خاصی بر رشد و تحول فرد می‌گذارد.

دوره‌های حیاتی از لحاظ طول مدت کاملاً ثابت نیستند. برای مثال، اگر فرایند رشد اردک‌ها کند شود، طول مدت دوره حیاتی نقش‌پذیری در آن‌ها افزایش می‌یابد. امروزه برخی متخصصان بر این باور هستند که می‌توان این فرصت و تأثیرات آن را محدود نیز کرد، ولی نمی‌توان آن را کاملاً از بین برد. یک نمونه از دوره‌های حیاتی در رشد انسان، دوران بارداری است. اگر یک زن در مدت زمان خاصی از بارداری با عوامل آسیب‌زا مثلاً اشعه ایکس مواجه شود، بسته به ماهیت عامل آسیب‌زا و زمان بروز آن، مشکلات خاصی برای جنین ایجاد خواهد شد. در دوران کودکی نیز دوره‌های حیاتی برای رشد جسمانی وجود دارد و محروم شدن از تجارب خاصی باعث وقفه‌های پایدار در رشد جسمانی می‌شود. از آنجا که در بسیاری از ابعاد رشد و تحول انسان، حتی در حوزه‌های زیست‌شناختی، نوعی انعطاف‌پذیری یا اصلاح‌پذیری کارکردی مشاهده می‌شود، غالباً به جای دوره حیاتی از اصطلاح «**دوره حساس**» (sensitive period) استفاده می‌شود. دوره حساس یعنی دوره‌های زمانی که در آن‌ها فرد به انواع خاصی از تجارب پاسخ‌گویی بیشتری دارد.

رویکرد رشدی فراخانای زندگی

بالتس و همکارانش شش اصل عمده در رویکرد رشدی فراخانای زندگی را مطرح کرده‌اند:

۱) رشد و تحول فرایندی مادام‌العمر است:

رشد و تحول فرایندی مادام‌العمر از تغییر در توانایی سازگاری با شرایط زندگی است. هر دوره از زندگی ویژگی‌های خاص خود را دارد و هیچ دوره‌ای اهمیت کمتر یا بیشتر ندارد.

۲) در فرایند رشد و تحول هم پیشرفت و هم پسرفت وجود دارد:

رشد و تحول، **چندبعدی** است. رشد شامل ابعاد متعدد زیستی، روان‌شناختی، و اجتماعی است که با یکدیگر در تعامل هستند و ممکن است سرعت رشد فرد در هر یک از این ابعاد متفاوت باشد.

رشد و تحول، **چندجهتی** است. رشد در بیش از یک جهت صورت می‌گیرد و ممکن است پیشرفت در یک حوزه با پسرفت در حوزه دیگر همراه باشد. کودکان در زمینه توانایی‌های مختلف عمدتاً رشد یک‌جهتی-رو به جلو- دارند. سپس این توازن به تدریج تغییر می‌کند. نوجوانان معمولاً از نظر توانایی‌های بدنی پیشرفت می‌کنند، اما در توانایی زبان‌آموزی پسرفت می‌کنند. برخی توانایی‌ها مثل خزانه لغات در بزرگسالی افزایش می‌یابند، اما برخی دیگر مثل حل مسئله ناآشنا پسرفت می‌کنند، و برخی ویژگی‌های جدید مثل مهارت‌های خاص ممکن است در میان‌سالی پدیدار شوند. افراد با یادگیری نحوه هدایت قابلیت‌ها یا جبران پسرفت‌ها تلاش می‌کنند جنبه‌های مثبت را به حداکثر و جنبه‌های منفی را به حداقل برسانند.

۳) تأثیرات نسبی عوامل زیستی و فرهنگی در فراخانای زندگی تغییر می‌کنند:

فرایند رشد هم از عوامل زیستی و هم از عوامل فرهنگی تأثیر می‌گیرد و توازن این عوامل در طول زندگی تغییر می‌کند. نقش عوامل زیستی با افزایش سن تضعیف می‌شود، اما عوامل فرهنگی می‌تواند آن را جبران کند. برای مثال، وجود امکاناتی مثل فناوری می‌تواند ضعف‌های حرکتی در پیری را جبران کند.

۴) رشد و تحول شامل تغییر در نحوه تخصیص منابع است:

افراد منابع زمانی، انرژی، استعداد، منابع مالی و منابع حمایت اجتماعی را به شیوه‌های مختلفی سرمایه‌گذاری می‌کنند. منابع می‌توانند صرف رشد، حفظ یا بازیافت، و مقابله با نقصان شوند. به موازات کاهش در خزانه منابع در دسترس، نحوه تخصیص منابع به این سه حوزه تغییر می‌کند. معمولاً در کودکی و نوجوانی، بخش اعظم منابع صرف رشد و نمو، و در دوران پیری صرف تنظیم و کنترل نقصان‌ها می‌شود. در دوران میان‌سالی، منابع معمولاً به صورت تقریباً مساوی بین سه حوزه تقسیم می‌شود.

۵) رشد و تحول فرایندی تغییرپذیر است:

در فرایند رشد و تحول در طول زندگی **انعطاف‌پذیری** دیده می‌شود. بسیاری از توانایی‌ها را می‌توان حتی در سنین پیری با تمرین بهبود بخشید. اما حتی در کودکی نیز توانایی تغییر محدود است. یکی از اهداف پژوهش‌های رشد، کشف میزان تغییرپذیری حیطة خاصی از تحول در سنین مختلف است.

۶) رشد و تحول از بافت تاریخی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرد:

رشد و تحول فرد در بافت‌های متعددی رخ می‌دهد، یعنی شرایط یا موقعیت‌هایی که تا حدودی وابسته به عوامل زیستی و تا حدودی وابسته به زمان و مکان هستند. علاوه بر تأثیرات وابسته به سن و رویدادهای نابهنجار، انسان‌ها بر بافت تاریخی-فرهنگی خود تأثیر می‌گذارند و متقابلاً از آن تأثیر می‌گیرند.

مباحث نظری اساسی

نظریه مجموعه‌ای از مفاهیم یا عبارت‌هایی است که ارتباطی منطقی با یکدیگر دارند و هدف آن‌ها توصیف و تبیین رشد و پیش‌بینی رفتارهایی است که تحت شرایطی خاص به وقوع می‌پیوندند.

نحوه تبیین پدیده‌ها توسط نظریه‌پردازان مختلف به این امر بستگی دارد که آن‌ها درباره سه مسأله اساسی زیر چه نگرشی دارند: (۱) میزان اهمیت نسبی وراثت در برابر محیط، (۲) آیا افراد در رشد و تحول خود فعال هستند یا منفعل، (۳) رشد و تحول فرایندی پیوسته است یا ناپیوسته.

● وراثت یا محیط؟

طبیعت (nature) یعنی صفات و ویژگی‌های ذاتی که فرد آن‌ها را از والدین زیستی خود به ارث می‌برد. **تربیت (nurture)** یعنی تأثیرات محیطی قبل و بعد از تولد. نظریه‌پردازان به لحاظ اهمیت نسبی که برای طبیعت و تربیت قائل هستند، با یکدیگر تفاوت دارند. پژوهش‌ها نشان داده است که تقریباً در شکل‌گیری تمام ویژگی‌های هر فرد، آمیزه‌ای از وراثت و محیط نقش دارند.

● رشد فعال یا منفعل؟

این مناقشه که افراد در فرایند رشد خود نقش فعال دارند یا منفعل، به **مناقشه بین لاک و روسو** برمی‌گردد. لاک باور داشت که کودک مثل «لوح سفید» است که جامعه بر آن چیزهایی می‌نویسد. در مقابل، روسو معتقد بود کودکان هنگام تولد دارای «سرشت پاک» هستند و اگر جامعه بر آن خللی وارد نکند، بر اساس تمایلات طبیعی و مثبت خود پرورش می‌یابند. امروزه هر دوی این دیدگاه‌ها ساده‌انگارانه هستند، چون عوامل مؤثر بر رشد شامل آمیزه‌ای از نیازهای درونی و عوامل اجتماعی است.

مناقشات بین لاک و روسو منجر به شکل‌گیری دو الگوی متعارض از رشد شده است: مکانیستی و ارگانیسمی. **دیدگاه لاک پیشگام الگوی مکانیستی است.** در این الگو افراد مثل ماشین در نظر گرفته می‌شوند که به شکل منفعلانه و قابل پیش‌بینی به محرک‌ها و درون‌دادهای محیطی واکنش می‌دهند. **روسو پیشگام الگوی ارگانیسمی است.** در این الگو افراد موجوداتی فعال و پویا در نظر گرفته می‌شوند که خودشان آغازگر رویدادها هستند، نه اینکه فقط پاسخ‌دهنده باشند. بر اساس این دیدگاه، منبع تغییر درون افراد است و تأثیرات محیطی عامل رشد نیستند، گرچه می‌توانند سرعت رشد را تغییر دهند. رفتار انسان یک کلیت ارگانیک است و نمی‌توان آن را با تجزیه به محرک و پاسخ، پیش‌بینی کرد.

● رشد پیوسته یا ناپیوسته؟

الگوی مکانیستی و ارگانیسمی از لحاظ این مسئله نیز تفاوت دارند که آیا رشد پیوسته است یا ناپیوسته و دارای مراحل؟ **نظریه‌پردازان مکانیستی رشد را فرایندی پیوسته می‌دانند.** مثل بالا رفتن از یک شیب. آن‌ها معتقدند رشد همیشه تحت تأثیر فرایندهای یکسانی صورت می‌گیرد و می‌توان رفتارهای بعدی را پیش‌بینی کرد. کسانی که به رشد پیوسته اعتقاد دارند، بر **تغییرات کمی** تأکید دارند، یعنی به تغییر در تعداد رفتارها توجه دارند، نه تغییر در نوع آن‌ها.

نظریه‌پردازان ارگانیسمی رشد را فرایندی ناپیوسته می‌دانند. که شامل یک سری مراحل متمایز است، مثل بالا رفتن از یک سری پله. کسانی که به رشد ناپیوسته اعتقاد دارند، بر **تغییرات کیفی** تأکید دارند. هر مرحله ویژگی‌هایی دارد که متفاوت از سایر مراحل است. هر مرحله ریشه در مرحله قبل دارد و راه را برای مرحله بعد هموار می‌کند.

● رویکرد التقاطی

اغلب پیشگامان مطالعه رشد انسان از جمله فروید، اریکسون و پیاژه به رویکردهای ارگانیسمی یا مرحله‌ای اعتقاد داشتند. طرفداران نظریه‌های یادگیری که از کارهای واتسون ریشه می‌گیرد، به رویکردهای مکانیستی اعتقاد داشتند. با این نظریه‌پردازان در فصول بعد آشنا می‌شوید. امروزه رویکردهای **نیمه‌ارگانیسمی** در حال قوت گرفتن هستند. این رویکردها بر مبنای زیستی رفتار تأکید دارند، اما به جای تأکید بر مراحل گسترده، تلاش می‌کنند مشخص کنند کدام یک از انواع رفتارها دارای یا فاقد پیوستگی هستند و چه فرایندهایی در هر یک از این رفتارها نقش دارند. همان‌طور که در مورد تعامل وراثت و محیط توافق بیشتری صورت گرفته است، دیدگاه متعادل‌تری نیز درباره فعال یا منفعل بودن رشد ایجاد شده است. اتفاق نظر وجود دارد که این تأثیر **ماهیتی دوسویه** دارد و کودک و محیط هر دو بر هم تأثیر دارند.

دیدگاه‌های نظری عمده

نظریه‌های رشد را می‌توان در یکی از پنج دیدگاه عمده قرار داد:

- (۱) **روان‌کاوی:** بر هیجان‌ها و سائق‌های ناهشیار تأکید دارد. دو مورد برجسته از این رویکرد، نظریه روانی-جنسی فروید و نظریه روانی-اجتماعی اریکسون است.
- (۲) **یادگیری:** به مطالعه رفتار قابل مشاهده می‌پردازد. شامل رفتارگرایی سنتی و نظریه یادگیری اجتماعی بندورا است.
- (۳) **شناختی:** به تحلیل فرایندهای تفکر و رفتارهای بیان‌گر این فرایندها می‌پردازد. هم نظریه‌های ارگانیسمی هم مکانیستی را در بر می‌گیرد؛ که عبارت‌اند از: نظریه پیاژه، نظریه پردازش اطلاعات، و نظریه‌های نوپیاژه‌ای که تلفیقی از دو مورد قبل هستند. نظریه پیاژه پیشگام انقلاب شناختی است.

(۴) **تکاملی / اجتماعی-زیستی:** زیرساخت‌های تکاملی و زیست‌شناختی رفتار را بررسی می‌کند. شامل نظریهٔ دلبستگی بالبی است.

(۵) **بافتی:** بر بافت تاریخی، اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد. شامل نظریهٔ اجتماعی-فرهنگی ویگوتسکی و نظریهٔ زیست-بوم‌شناختی پرنر است.

در جدول زیر به طور خلاصه موارد مورد تأکید در هر یک از دیدگاه‌های فوق را می‌بینید. این جدول بر اساس کتاب پاپالیا نوشته شده است. در دو مورد تناقضی با کتاب لورابکر وجود داشته است که ذکر شده است. در فصول بعدی با این نظریه‌ها به طور مفصل آشنا خواهید شد. پیشنهاد می‌شود پس از آشنایی کامل با نظریه‌ها، به این بخش برگردید تا با دیدی بهتر آن را مطالعه کنید.

هیچ کدام از این نظریه‌ها مورد قبول عام واقع نشده‌اند و هیچ کدام تمام جنبه‌های رشد را تبیین نمی‌کنند. امروزه از نظریه‌های کلان که پذیرش گسترده داشته باشند (مثل نظریه‌های فروید و پیاژه) خبری نیست و در عوض گرایش به سوی **نظریه‌های خرد** است که هدف آن‌ها تبیین پدیده‌های خاص است (مثل نحوهٔ تأثیر فقر بر مناسبات خانوادگی).

نظریه‌های مهم	باورهای عمده	شیوه‌های پژوهش	رشد پیوسته (غیرمرحله‌ای) یا ناپیوسته (مرحله‌ای)؟	طبیعت یا تربیت؟	رشد فعال یا منفعل؟
روان‌کاوی	نظریهٔ روانی-جنسی فروید	رفتار تحت کنترل تکانه‌های قدرتمند ناهشیار است.	مشاهدهٔ بالینی	ناپیوسته	تغییر عوامل وراثتی تحت تأثیر تجارب محیطی
	نظریهٔ روانی-اجتماعی اریکسون	شخصیت تحت تأثیر اجتماع و از طریق گذر از بحران‌های متعدد شکل می‌گیرد.	مشاهدهٔ بالینی	ناپیوسته	تعامل عوامل وراثتی و تجارب محیطی
یادگیری	رفتارگرایی یا نظریهٔ یادگیری سنتی (پاولف، اسکینر، واتسون)	افراد صرفاً پاسخ‌دهنده هستند و رفتار تحت تأثیر محیط است.	روش‌های علمی و آزمایشی دقیق	پیوسته	تجربه
	نظریهٔ یادگیری اجتماعی یا شناختی-اجتماعی بندورا	یادگیری در افراد در بافتی اجتماعی و با مشاهدهٔ الگوها و تقلید رخ می‌دهد و افراد در فرایند یادگیری نقش فعال دارند.	روش‌های علمی و آزمایشی دقیق	پیوسته	تغییر تجربه تحت تأثیر عوامل وراثتی
شناختی	نظریهٔ رشد شناختی پیاژه	در تفکر فرد در سنین طفولیت و نوجوانی تفاوت‌های کیفی وجود دارد و افراد در فرایند رشد خود نقش فعال دارند.	مصاحبه‌های انعطاف‌پذیر و مشاهدهٔ دقیق	ناپیوسته	تعامل وراثت و محیط
	نظریهٔ پردازش اطلاعات	انسان پردازش‌گر نمادها است.	پژوهش آزمایشگاهی، پایش و نظارت بر پاسخ‌های فیزیولوژیک	پیوسته	تعامل وراثت و محیط
تکاملی / اجتماعی-زیستی (کردارشناسی)	نظریهٔ دلبستگی بالبی و ایتنورث	انسان دارای سازوکارهای سازگارکننده برای بقا است. بر وجود دوره‌های بحرانی یا حساس تأکید می‌شود. اهمیت اساس زیست‌شناختی و تکاملی رفتار و نیز آمادگی ذاتی برای یادگیری مورد تأکید است.	مشاهدهٔ طبیعی و آزمایشگاهی	پیوسته *طبق کتاب لورابکر: هم پیوسته هم ناپیوسته (از جهت وجود دوره‌های حساس)	تعامل وراثت و محیط (اتفاق نظر وجود ندارد)



نظریه زیستی-بوم‌شناختی برنر	رشد معلول تعامل بین فرد در حال رشد و سطوح مختلف محیط اطراف است که به هم وابسته هستند.	مشاهده طبیعی و تجزیه و تحلیل مشاهدات	پیوسته	تعامل وراثت و محیط	فعال
نظریه اجتماعی-فرهنگی و یگوتسکی	زمینه و بافت اجتماعی-فرهنگی در رشد و تحول نقش کلیدی دارد.	پژوهش‌های بین‌فرهنگی، مشاهده تعامل کودک با افراد بزرگ‌تر	پیوسته *طبق کتاب لورابک: هم پیوسته هم ناپیوسته	تجربه *طبق کتاب لورابک: تعامل وراثت و محیط	فعال

مفهوم مرحله

همان‌طور که در بخش قبل خواندیم، نظریه‌هایی که به رشد ناپیوسته اعتقاد دارند، رشد را شامل یک سری مرحله می‌دانند. در کتاب روان‌شناسی ژنتیک، یک سری ملاک برای مفهوم مرحله ارائه شده است، که در انتهای این فصل به آن می‌پردازیم.

● مرحله در روان‌شناسی

چه چیزی را باید مرحله بنامیم و خصوصیات یک مرحله چیست؟ ملاک‌های اساسی مرحله در روان‌شناسی تحولی عبارت‌اند از:

(۱) **توالی ثابت:** توالی ثابت **مهم‌ترین شرط مرحله** است. توالی و ترتیب مراحل در همه جا و برای تمام افراد ثابت است؛ برای مثال مرحله دو همیشه باید بعد از مرحله یک بیاید. سنینی که برای مراحل ارائه می‌شوند، تقریبی هستند، و در جمعیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف می‌توانند متفاوت باشند؛ اما توالی مراحل همه جا یکسان است.

(۲) **صفت توحیدی:** صفت توحیدی یعنی خصوصیات یک مرحله با مرحله قبل، یکپارچه می‌شود و در یک چهارچوب تازه قرار می‌گیرد. آنچه در یک مرحله می‌بینیم، هم شامل امکانات تازه، هم امکانات مرحله قبلی است؛ یعنی امکانات قبلی در امکانات جدید حل شده‌اند.

(۳) **ساخت مجموعه‌ای:** ساخت مجموعه‌ای یعنی مکانیسم‌های کم و بیش هم‌تراز در یک مجموعه قرار می‌گیرند؛ مثلاً ساخت کلی سواد شامل مکانیسم‌های جمع و تفریق و خواندن و نوشتن و غیره است. ساخت مجموعه‌ای **نشانه رسیدن به تعادل** در یک مرحله است.

(۴) **تراز تهیه و اتمام:** هر مرحله دو تراز دارد: تراز تهیه و تراز اتمام. فرایندهای روانی در یک فاصله زمانی در حال پیش رفتن و ریشه دواندن است که این سطح فراهم‌سازی یا تراز تهیه است، و سپس به تعادل می‌رسند که تراز اتمام است.

(۵) **پایه‌ریزی مرحله در مراحل قبل:** پایه‌های خصوصیات یک مرحله در مرحله قبل ریخته می‌شود. بنابراین در هر مرحله باید به فرایندهای تشکیل‌دهنده مرحله بعدی توجه کرد و آن را از تعادل مرحله حاضر، جدا دانست.

● مرحله در فیزیولوژی

نمو بدنی پیوسته است و غیرممکن است که بتوان مراحل مجزایی را متمایز کرد. اگرچه ممکن است چند استثناء وجود داشته باشد:

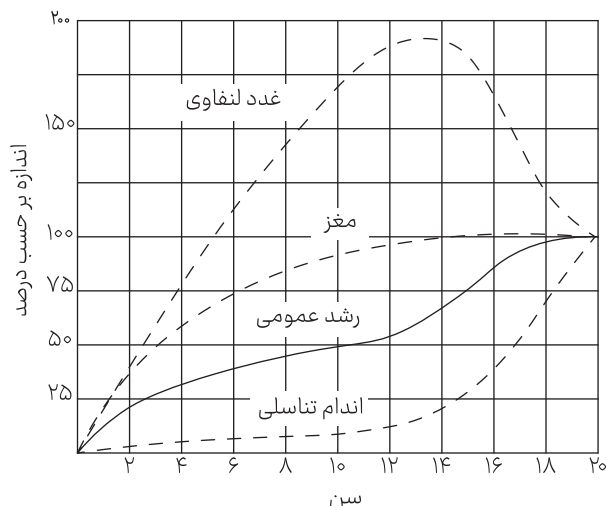
(۱) دوران بلوغ؛ افزایش قابل ملاحظه سرعت نمو.

(۲) جهش نیمه‌راه نمو (۵/۵ تا ۶/۵ سالگی): بزرگ شدن سریع بدن.

(۳) نمو مغز: دوره‌های نمو سریع با تناوب دوره‌های استراحت و رکود. نمی‌توان در این زمینه اظهار نظر قاطع کرد، اما می‌دانیم که در نمو مجموعه هیچ نوع ناپیوستگی وجود ندارد؛ بنابراین پیوسته در نظر گرفته می‌شود.

برخی معتقدند که رشد فیزیولوژیکی ناپیوسته است و شاهد آن ظهور ناگهانی استخوان مچ دست است. اما غضروف آن به تدریج شکل می‌گیرد و تغییر ظاهری آن به خاطر کاربرد اشعه ایکس است که تصادفاً نسبت به ظهور اولین آثار کلسیم حساس است. می‌توان برای نمو بدنی به شیوه‌ای مصنوعی مراحل تعیین کرد (مثل ظهور استخوان مچ دست یا رویش دندان‌ها)؛ اما کسانی که به نمو بدنی توجه دارند ترجیح داده‌اند که به **سن فیزیولوژیک پیوسته**، که مشابه سن عقلی است، روی آورند. چهار روش برای اندازه‌گیری سن فیزیولوژیکی وجود دارد: (۱) **سن اسکلتی:** بر اساس ظهور استخوان‌های دست و مچ دست. (۲) **سن دندانی:** تعداد دندان‌ها. (۳) **سن تنی:** رشد قد و وزن. (۴) **سن بر اساس صفات جنسی ثانوی:** نمو دوران بلوغ.

نمودار زیر چهار ریخت اصلی نمو بر حسب منحنی‌های نمو بافت‌ها و اجزای مختلف بدن را نشان می‌دهد.



خلاصه فصل

مطالعه رشد انسان به مطالعه علمی فرایندهای تغییر و ثبات در طول رشد اطلاق می‌شود. اهداف مطالعه رشد انسان، توصیف، تبیین، پیش‌بینی و اصلاح رفتار است. متخصصان رشد به مطالعه دو نوع تغییر رشدی می‌پردازند: تغییرات کیفی و کمی.

نخستین تلاش‌ها در زمینه مطالعه علمی رشد، زندگی‌نامه‌های اطفال بوده است. داروین آغازگر این روش بوده است، و او را پیشگام مطالعه علمی کودک می‌دانند.

هال و گزل، بر اساس دیدگاه تکاملی داروین نظریه‌های کودکی را مطرح کردند. آن‌ها با اتخاذ یک رویکرد هنجاری، ویژگی‌های کودکان را بررسی کردند. هال را بنیان‌گذار جنبش مطالعه کودک می‌نامند.

رشد یعنی بارز شدن تغییرات متوالی جسمانی و الگوهای رفتاری طبیعی بر اساس برنامه زیستی. از لحاظ زمان و میزان بروز فرایندهای رشدی، تفاوت‌های فردی وجود دارد. به طور کلی، رشد حاصل تعامل وراثت و محیط است.

عوامل بافتی بر رشد تأثیر دارند از جمله خانواده، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و محله زندگی، فرهنگ و نژاد، زمینه تاریخی.

رویداد بهنجار، رویدادی است که بیشتر افراد یک گروه با آن به گونه‌ای یکسان مواجه می‌شوند. شامل تأثیرات هنجار وابسته به سن، و تأثیرات هنجار وابسته به تاریخ (گروه‌های هم‌دوره یا کوهورت) است.

نقش‌پذیری، نوعی آمادگی در دستگاه عصبی برای اکتساب اطلاعات خاص در طی یک دوره حیاتی است.

دوره حیاتی یک دوره زمانی خاص است که در آن پیش‌آمدن یا نیامدن رویدادی خاص، تأثیر خاصی بر رشد فرد می‌گذارد.

غالباً به جای دوره حیاتی از اصطلاح دوره حساس استفاده می‌شود، که انعطاف‌پذیری بیشتری دارد. دوره حساس یعنی دوره‌های زمانی که در آن‌ها فرد به انواع خاصی از تجارب پاسخ‌گویی بیشتری دارد.

بالتس و همکارانش شش اصل عمده در «رویکرد رشدی فراخنای زندگی» را مطرح کرده‌اند: رشد و تحول فرایندی مادام‌العمر است، در فرایند رشد و تحول هم پیشرفت و هم پسرفت وجود دارد (رشد چندبعدی و چندجهتی)، تأثیرات نسبی عوامل زیستی و فرهنگی در فراخنای زندگی تغییر می‌کنند، رشد و تحول شامل تغییر در نحوه تخصیص منابع است، رشد و تحول فرایندی تغییرپذیر است، رشد و تحول از بافت تاریخی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرد.

نحوه تبیین پدیده‌ها توسط نظریه‌پردازان مختلف به این امر بستگی دارد که آن‌ها درباره سه مسأله اساسی چه نگرشی دارند: (۱) طبیعت در برابر تربیت، (۲) فعال یا منفعل بودن فرد در تحول، (۳) رشد پیوسته (تغییرات کمی) یا ناپیوسته (تغییرات کیفی و مراحل). دو رویکرد متناقض در این زمینه‌ها از مناقشات بین لاک و روسو نشأت می‌گیرد.

جان لاک باور داشت که کودک مثل «لوح سفید» است که جامعه بر آن چیزهایی می‌نویسد. دیدگاه لاک پیشگام الگوی مکانیستی است. این الگو به اهمیت تربیت، رشد پیوسته، و منفعل بودن فرد اشاره دارد.

روسو معتقد بود کودکان هنگام تولد دارای «سرشت پاک» هستند و طبق تمایلات طبیعی و مثبت خود پرورش می‌یابند. روسو پیشگام الگوی ارگانیسمی است. این الگو به اهمیت طبیعت، رشد ناپیوسته، و فعال بودن فرد اشاره دارد.

نظریه‌های رشد را می‌توان در یکی از پنج دیدگاه عمده قرار داد: (۱) روان‌کاوی: بر هیجان‌ها و سائق‌های ناهشیار تأکید دارد. (۲) یادگیری: به مطالعه رفتار قابل مشاهده می‌پردازد. (۳) شناختی: به تحلیل فرایندهای تفکر و رفتارهای بیان‌گر این فرایندها می‌پردازد. (۴) تکاملی / اجتماعی-زیستی: زیرساخت‌های

تکاملی و زیست‌شناختی رفتار را بررسی می‌کند. ۵) بافتی: بر بافت تاریخی، اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد. خلاصه این دیدگاه‌ها را در جدول مربوطه در فصل مشاهده کنید.

ملاک‌های اساسی مرحله در روان‌شناسی تحولی عبارت‌اند از: ۱) توالی ثابت (مهم‌ترین شرط)، صفت توحیدی (یکپارچه شدن امکانات جدید و قدیم)، ساخت مجموعه‌ای (قرار گرفتن مکانیسم‌های هم‌تراز در یک مجموعه / نشانه رسیدن به تعادل)، تراز تهیه و اتمام، پایه‌ریزی مرحله در مراحل قبل. در زمینه نمو بدنی از سن فیزیولوژیک پیوسته استفاده می‌شود. چهار روش برای اندازه‌گیری سن فیزیولوژیکی وجود دارد: سن اسکلتی، سن دندانی، سن تنی، سن بر اساس صفات جنسی ثانوی.

سؤالات کنکور کارشناسی ارشد

۱) بر اساس تاریخچه روان‌شناسی رشد، پیشکسوتان ابتدای قرن بیستم چه کسانی بودند؟ (علوم ۱۳۹۰)

- ۱) پیازه، گزل، والن
۲) فروید، استانلی هال، بینه
۳) پیازه، ویگوتسکی، اریکسون
۴) فروید، بینه، گزل

۲) در کدام نظریه، تحول به صورت پیوسته است؟ (علوم ۱۳۹۲)

- ۱) روان‌تحلیل‌گری
۲) شناختی تحولی پیازه
۳) پردازش اطلاعات
۴) اجتماعی-فرهنگی ویگوتسکی

۳) توالی همگانی رخدادهای بیولوژیکی در دستگاه عصبی مرکزی که بروز یک کارکرد روانی را ممکن می‌سازد، اشاره به کدام مفهوم دارد؟ (علوم ۱۳۹۵)

- ۱) نمو
۲) رشد
۳) بلوغ
۴) تحول

۴) نظریه استانلی هال عمدتاً مبتنی بر کدام رویکرد تحولی است؟ (علوم ۱۳۹۵)

- ۱) رفتارگرایی
۲) تکامل‌نگری
۳) پدیدارشناسی
۴) شناختی

۵) کدام یک از رویکردها با الهام از فلسفه روسو شکل گرفته است؟ (علوم ۱۳۹۵)

- ۱) تکامل‌نگری
۲) ارگانیسمی
۳) رفتارنگری
۴) ساخت‌گرایی

۶) نظریه‌های غیرمرحله‌ای رشد که عمدتاً رشد را فرایندی پیوسته و تدریجی در نظر می‌گیرند، متأثر از فلسفه کدام فیلسوف است؟ (علوم ۱۳۹۶)

- ۱) توماس هابر
۲) رنه دکارت
۳) جان لاک
۴) ژان ژاک روسو

۷) استانلی هال و آرنولد گزل در بررسی فرایند تحول از کدام رویکرد استفاده کرده‌اند؟ (علوم ۱۳۹۶)

- ۱) بالینی
۲) تطبیقی
۳) هنجاری
۴) سیستمی

۸) فلسفه ژان ژاک روسو، زمینه‌ساز شکل‌گیری کدام الگوی رشدی است؟ (علوم ۱۴۰۲)

- ۱) مکانیستی
۲) ارگانیسمی
۳) بوم‌شناختی
۴) روان‌تحلیل‌گری

۹) کدام نظریه، از روش پژوهشی انعطاف‌پذیر و مشاهده دقیق استفاده می‌کند؟ (علوم ۱۴۰۳)

- ۱) یادگیری
۲) بافتی
۳) شناختی
۴) روانکاوی

۱۰) نظریه رشد «ژان ژاک روسو» بر کدام الگوی تحولی استوار است؟ (علوم ۱۴۰۴)

- ۱) دیالکتیکی
۲) ارگانیسمی
۳) کردارشناسی
۴) رفتارگرایی

سؤالات کنکور دکتری

۱۱) نقش کودک در تحول در دیدگاه رفتارشناسی طبیعی کدام است؟ (علوم ۱۳۹۱)

- ۱) کودک در تعامل با محیط، ساخت‌های تحول خود را بنا می‌کند.
۲) کودک به صورتی فعال به شخصیت خود شکل می‌دهد.
۳) کودک از نظر زیست‌شناختی برای تعامل با محیط تجهیز شده است.
۴) کودک یک نظام کنشی در حال گسترش است که تابع نمو درونی است.

۱۲) کدام عبارت درباره نقش کودک در تحول روانی صحیح نیست؟ (علوم ۱۳۹۳)

۱) در نظریه عملیاتی پیاژه، تحول بر ساخت‌هایی استوار است که کودک از راه تعامل با محیط به صورت فعال آن‌ها را بنا می‌کند.

۲) در نظریه روانی- اجتماعی، کودک به صورت فعال در جستجوی هویت خویش است.

۳) در نظریه سازشی پیاژه، کودک در تعامل جنبه‌های زیستی و محیط، منفعل است. همه چیز را تعادل جویی تبیین می‌کند.

۴) در نظریه‌های یادگیری کودک در تحلیل رفتار فعال نیست.

۱۳) عبارت «رشد و تحول چندبعدی و چندجهتی است که باهم در تعاملند.»، به کدام اصل عمده رویکرد رشدی فراخنای زندگی اشاره دارد؟ (علوم ۱۴۰۳)

۱) رشد و تحول تغییرپذیر است.

۳) رشد و تحول شامل تغییر در نحوه تخصیص منابع است.

۴) در فرایند رشد و تحول هم پیشرفت و هم پسرفت وجود دارد.

پاسخ تشریحی کنکور کارشناسی ارشد

۱) گزینه ۲ این سؤال از تاریخچه روان‌شناسی رشد مطرح شده است که در خلاصه کتاب لورابک به آن پرداخته‌ایم. حال از بانفوذترین روان‌شناسان اوایل قرن بیستم است که به عنوان بانی جنبش بررسی کودک محسوب می‌شود. در همان زمان، بین اولین آزمون هوش را ساخت. در اواسط قرن بیستم، فروید با مطرح کردن نظریه روانی-جنسی، اولین نظریه در زمینه رابطه والد-کودک را ارائه کرد.

۲) گزینه ۳ بر اساس نظریه پردازش اطلاعات، رشد به صورت پیوسته پیش می‌رود. نظریه اجتماعی-فرهنگی ویگوتسکی رشد را هم پیوسته هم ناپیوسته در نظر می‌گیرد. نظریه شناختی پیاژه و نظریه روان‌تحلیل‌گری رشد را ناپیوسته و دارای مراحل می‌دانند.

۳) گزینه ۲ رشد یعنی باز شدن تغییرات متوالی جسمانی و الگوهای رفتاری طبیعی بر اساس برنامه زیستی.

۴) گزینه ۲ استانی‌الی‌ها، و همکارش گزل، بر اساس دیدگاه تکاملی داروین نظریه‌های کودکی را مطرح کردند و بر نقش طبیعت (رشد) در رشد کودک تأکید کردند.

۵) گزینه ۲ روسو پیشگام الگوی ارگانیسمی است. در این الگو افراد

پاسخ تشریحی کنکور دکتری

۱۱) گزینه ۳ طبق دیدگاه رفتارشناسی طبیعی (کردارشناسی) انسان دارای سازوکارهای سازگارکننده برای بقا است. این دیدگاه زیرساخت‌های تکاملی و زیست‌شناختی رفتار را بررسی می‌کند.

۱۲) گزینه ۳ طبق نظریه رشد شناختی پیاژه، افراد در فرایند رشد خود نقش فعال دارند. بعداً خواهیم خواند که در این نظریه، کودک در تعامل با محیط، ساختارهای شناختی را به شکل فعالانه و بر اساس مکانیسم تعادل جویی می‌سازد. بر اساس نظریه روانی-اجتماعی اریکسون، شخصیت تحت تأثیر اجتماع و از طریق گذر از بحران‌های متعدد شکل می‌گیرد. فرد در این فرایند نقش فعال دارد. بر اساس نظریه یادگیری، فرد

موجوداتی فعال و پویا در نظر گرفته می‌شوند که خودشان آغازگر رویدادها هستند، نه اینکه فقط پاسخ‌دهنده باشند.

۶) گزینه ۳ دیدگاه لاک پیشگام الگوی مکانیستی است. در این الگو افراد مثل ماشین در نظر گرفته می‌شوند که به شکل منفعلانه و قابل‌پیش‌بینی به محرک‌ها و درون‌دادهای محیطی واکنش می‌دهند. نظریه‌پردازان مکانیستی رشد را فرایندی پیوسته می‌دانند.

۷) گزینه ۳ هال و گزل بر نقش طبیعت (رشد) در رشد کودک تأکید کردند. آن‌ها با اتخاذ یک رویکرد هنجاری، ویژگی‌های کودکان را بررسی و با میانگین رشد عادی مقایسه می‌کردند.

۸) گزینه ۲ روسو پیشگام الگوی ارگانیسمی است. طبق این الگو افراد موجوداتی فعال و پویا هستند که خودشان آغازگر رویدادها هستند.

۹) گزینه ۳ نظریه رشد شناختی پیاژه، از مصاحبه‌های انعطاف‌پذیر و مشاهده دقیق در شیوه‌های پژوهشی خود استفاده می‌کند.

۱۰) گزینه ۲ روسو پیشگام الگوی ارگانیسمی است. طبق این الگو افراد موجوداتی فعال و پویا هستند که خودشان آغازگر رویدادها هستند.

در فرایند رشد منفعل است. افراد صرفاً پاسخ‌دهنده هستند و رفتار تحت تأثیر محیط است.

۱۳) گزینه ۴ یکی از اصول عمده در رویکرد فراخنای زندگی این است که در فرایند رشد و تحول هم پیشرفت و هم پسرفت وجود دارد. بر اساس آن، رشد و تحول، چندبعدی است؛ یعنی رشد شامل ابعاد متعدد زیستی، روان‌شناختی، و اجتماعی است که با یکدیگر در تعامل هستند. همچنین، رشد و تحول، چندجهتی است؛ یعنی ممکن است پیشرفت در یک حوزه با پسرفت در حوزه دیگر همراه باشد.

نظریه و پژوهش دو روی یک سکه هستند. نظریه‌ها داده‌های حاصل از پژوهش‌ها را سازمان می‌دهند و منبعی غنی از فرضیه هستند. فرضیه یعنی تبیین یا پیش‌بینی‌های احتمالی که می‌توان آن‌ها را با پژوهش بیشتر مورد آزمون قرار داد. از سوی دیگر، نظریه‌ها ماهیتی پویا دارند و برای آنکه یافته‌های جدید پژوهش‌ها را در خود جای دهند، تغییر می‌کنند. بر این اساس، بررسی روش‌های پژوهش در روان‌شناسی رشد اهمیت دارد.

پژوهش کمی در برابر کیفی

پژوهش کمی با داده‌های عینی و انعطاف‌ناپذیر و شاخص‌های عددی و آماری سروکار دارد. معمولاً رفتارگرایان از روش کمی استفاده می‌کنند. در مقابل، پژوهش کیفی با داده‌های منعطف درباره کیفیت و ماهیت احساسات و تجارب و باورهای شخصی سروکار دارد، مانند پژوهش مارگارت مید و روش بالینی پیاژه.

پژوهش کمی مبتنی بر روش علمی است، یعنی نظامی از اصول و فرایندهایی که به اثبات رسیده است. مراحل روش علمی به این صورت است: تعیین مسئله، صورت‌بندی فرضیه، جمع‌آوری داده، تجزیه و تحلیل داده، انتشار یافته‌ها. در مقابل، پژوهش کیفی مسیر اکتشافی دارد و در آن به جای صورت‌بندی فرضیه و نظریه، ابتدا به گردآوری داده می‌پردازند و بعد نظریه‌ها و فرضیه‌ها از دل این داده‌ها بیرون می‌آیند. پژوهش کیفی به شدت مبتنی بر تعبیر و تفسیر داده‌ها از سوی پژوهش‌گر است و نمی‌تواند نتیجه‌گیری کلی به دست دهد.

پژوهش کمی اغلب در موقعیت‌های آزمایشگاهی انجام می‌شود که تمام شرایط تحت کنترل است و این امر باعث نتایج تکرارپذیر می‌شود. پژوهش کیفی متناسب موقعیت‌های اجتماعی روزمره و تحقیق در مورد موضوعاتی است که اطلاعات کمی در مورد آن‌ها وجود دارد. پژوهش کیفی می‌تواند وقت‌گیر و پرهزینه باشد. غالباً پژوهش کیفی به یافته‌هایی منجر می‌شود که راه‌گشای پژوهش کمی است.

در پژوهش‌های کیفی، نمونه‌ها معمولاً کوچک هستند و لزومی ندارد که به صورت تصادفی انتخاب شوند. در پژوهش کیفی از نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود، یعنی آزمودنی‌ها بر اساس توانایی‌شان در بیان و انتقال تجارب خود یا بسته به هدف پژوهش انتخاب می‌شوند. در مقابل، در پژوهش کمی که قصد تعمیم نتایج خود به جامعه بزرگ‌تر را دارد، باید در انتخاب یک نمونه معرف دقت کرد. غالباً جهت دست‌یابی به نمونه معرف، تلاش می‌شود از نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود، اما به دلیل دشواری آن، اغلب از نمونه‌گیری در دسترس استفاده می‌شود.

در پژوهش‌های کیفی بیشتر از مصاحبه و مشاهده طبیعی استفاده می‌شود. در مقابل، در پژوهش کمی از روش‌های ساختاریافته استفاده می‌شود.

روش تجربی در برابر روش بالینی

بر اساس دسته‌بندی کتاب روان‌شناسی ژنتیک، روان‌شناسی از دو دیدگاه به مطالعه رفتار می‌پردازد: (۱) طبیعت‌نگری: تدوین علمی قوانین رفتار انسان و حیوان بر اساس مشاهده و آزمایش. (۲) انسان‌نگری: مطالعه رفتار موجودات به خصوص انسان، به کمک کلیه روش‌هایی که به نتایج قابل توجه منتهی می‌شوند.

دو روش پژوهشی با دو دیدگاه فوق مطابقت دارند: (۱) روش تجربی: روش‌های مبتنی بر روان‌سنجی، مثل تست‌های شخصیت. (۲) روش بالینی: تک‌بررسی‌های نظام‌دار و جامع (مطالعات موردی)، مثل روان‌تحلیل‌گری و روش بالینی پیاژه.

روش‌های تجربی در دو سطح قرار می‌گیرند: (۱) سطح ایجاد: ایجاد شرایط دست‌یابی به داده‌ها، (۲) سطح توسلی: متوسل شدن به موارد موجود برای رسیدن به همان هدف.

بررسی بالینی سازش‌یافته‌ترین شکل مطالعه رفتار عینی انسان است. روش‌های تجربی و بالینی مکمل یکدیگر هستند و هم‌گرایی دارند. در هر دو، روان‌شناسی علم رفتار است؛ و رفتار عبارت است از مجموعه‌ای از پاسخ‌های معنادار موجود زنده که به کمک آن وحدت و تعادل خود را حفظ می‌کند.

گاهی پژوهش‌گران به تحلیل آماری مجموعه‌ای از نتایج پژوهشی می‌پردازند که پیشتر انتشار یافته‌اند. این روش به خصوص وقتی کاربرد دارد که نتایج بررسی‌های پیشین از پایداری کافی برخوردار نیستند یا با هم در تعارض هستند. به این روش، «بررسی فراتحلیلی» گفته می‌شود.

روش‌های جمع‌آوری داده

شیوه‌های رایج جمع‌آوری داده‌های پژوهش عبارت‌اند از گزارش شخصی، آزمون‌ها و دیگر مقیاس‌های ارزیابی رفتار، و مشاهده. در جدول زیر انواع روش‌های جمع‌آوری داده آورده شده است. پژوهش‌گران تمایل به استفاده از گزارش‌های شخصی و مشاهده در کنار روش‌های عینی دارند.

هنگام استفاده از مقیاس‌های عینی چند مسئله باید در نظر گرفته شود:

(۱) پایایی (reliability): نتایج آزمون از زمانی به زمان دیگر تغییر نکند.

۲) اعتبار یا روایی (validity): آزمون همان توانایی‌هایی را ارزیابی کند که ادعای سنجش آن‌ها را دارد.

۳) هنجاریابی یا استانداردسازی: آزمون برای همه افراد به یک شیوه اجرا و نمره‌گذاری شود.

همچنین، هنگام سنجش یک ویژگی یا متغیر، باید تعریف دقیقی از آن داشته باشیم که برای سایر پژوهش‌گران قابل درک باشد. به این منظور از تعاریف عملیاتی استفاده می‌شود، یعنی تعاریفی که صرفاً در قالب عملیات یا فرایندهایی بیان می‌شوند که برای تولید یا سنجش یک پدیده به کار می‌روند. برای مثال، در تعریف عملیاتی هوش گفته می‌شود هوش نمره‌ای است که از آزمون هوش وکسلر به دست آمده است.

روش	ویژگی اصلی	مزایا	معایب
گزارش شخصی: یادداشت روزانه، مصاحبه و پرسش‌نامه	سؤال درباره جنبه‌های مهم زندگی (ساختاریافته یا انعطاف‌پذیر)	اطلاعات دست اول درباره زندگی، نگرش و عقاید	امکان عدم یادآوری درست اطلاعات یا تحریف، تأثیر چگونگی پرسش سؤال‌ها بر نوع پاسخ
مقیاس ارزیابی رفتار	آزمون توانایی‌ها، مهارت‌ها، آگاهی، کارآمدی و واکنش فیزیولوژیک افراد با استفاده از ابزارهای عینی	داده‌های قابل ارزیابی عینی و دور از تحریف‌های ذهنی	عدم ارزیابی نگرش‌ها و دیگر پدیده‌های غیررفتاری، تأثیر گرفتن از عوامل نامربوط مثل خستگی
مشاهده طبیعی	مشاهده افراد در موقعیت طبیعی بدون دست‌کاری	توصیف خوبی از رفتارها در موقعیت طبیعی و عدم تحریف رفتار	فقدان کنترل، تغییر رفتار در حضور مشاهده‌گر، سوگیری مشاهده‌گر
مشاهده آزمایشگاهی	مشاهده شرکت‌کنندگان در آزمایشگاه بدون دست‌کاری رفتار	توصیفات خوب، کنترل بیشتر شرایط	امکان وقوع سوگیری مشاهده‌گر، امکان مصنوعی بودن موقعیت

طرح‌های اصلی پژوهش

چهار طرح پژوهشی اصلی در روان‌شناسی رشد عبارت‌اند از: مطالعات موردی، مطالعات قوم‌شناختی، مطالعات همبستگی، آزمایش‌ها. دو طرح اول، معمولاً ماهیت کیفی و دو طرح دوم، ماهیت کمی دارند. در جدول زیر با این طرح‌های پژوهشی آشنا می‌شوید. در ادامه به ویژگی‌های روش آزمایش می‌پردازیم. روش آزمایشی شامل بررسی تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. متغیر مستقل چیزی است که آزمایش‌گر کنترل مستقیمی بر آن دارد. متغیر وابسته چیزی است که در نتیجه تغییر متغیر مستقل، ممکن است تغییر کند. در روش آزمایشی، متغیر مستقل دست‌کاری می‌شود و تأثیر تغییرات آن بر متغیر وابسته مشاهده می‌شود.

روش آزمایشی معمولاً شامل مقایسه گروه آزمایش و گروه کنترل (گواه) است. گروه آزمایش در معرض دست‌کاری یا عمل آزمایشی قرار می‌گیرد. گروه کنترل در معرض عمل آزمایشی قرار نمی‌گیرد یا عمل آزمایشی متفاوتی روی آن انجام می‌شود.

برای اینکه مطمئن شویم تفاوت بین گروه آزمایش و گروه کنترل ناشی از متغیر مستقل است، عوامل مزاحم باید کنترل شوند. بهترین راه برای کنترل عوامل مزاحم، گمارش تصادفی شرکت‌کنندگان در گروه‌ها است.

آزمایش می‌تواند به دو صورت آزمایشگاهی و میدانی صورت گیرد. آزمایش آزمایشگاهی در محل مشخصی که شرایط آن تحت کنترل است صورت می‌گیرد. آزمایش میدانی در محیط طبیعی صورت می‌گیرد. آزمایش آزمایشگاهی میزان کنترل بیشتری اعمال می‌کند، اما قابلیت تعمیم‌پذیری کمتری دارد. هر گاه به دلایل عملی یا اخلاقی انجام یک آزمایش واقعی امکان‌پذیر نباشد، از آزمایش طبیعی استفاده می‌شود. در آزمایش طبیعی، گروه‌هایی از افراد که در پی رویدادهایی در زندگی طبیعی در گروه‌های متمایز قرار گرفته‌اند با هم مقایسه می‌شوند؛ برای مثال مقایسه کودکان مبتلا به ایدز با کودکان سالم. آزمایش طبیعی در واقع نوعی مطالعه همبستگی است، زیرا دست‌کاری متغیرها، کنترل و گمارش تصادفی امکان‌پذیر نیست.

طرح پژوهشی	ویژگی اصلی	مزایا	معایب
موردی	مطالعه عمیق یک فرد با روش‌ها و ابزارهای مختلف. نمونه آن روش بالینی فروید است.	انعطاف‌پذیر، تصویری دقیق از رفتار و رشد فرد، ایجاد فرضیه‌های جدید	عدم امکان تعمیم به افراد دیگر، عدم امکان آزمون نتایج، عدم نشان دادن رابطه علت و معلولی

قوم‌شناختی	مطالعه عمیق یک فرهنگ با روش‌های متعدد. استفاده از روش «مشاهده توأم با مشارکت». نوعی مشاهده طبیعی که پژوهش‌گر به مدت طولانی به زندگی با مردم گروه موردنظر می‌پردازد. نمونه آن پژوهش‌های مارگارت مید است.	غلبه بر سوگیری فرهنگی، بررسی جهان‌شمول بودن پدیده‌های رشدی	سوگیری مشاهده‌گر
همبستگی	دست‌یابی به ارتباط آماری مثبت یا منفی بین متغیرها	امکان پیش‌بینی یک متغیر بر اساس متغیر دیگر، ایجاد فرضیاتی درباره روابط علت و معلولی	عدم نشان دادن رابطه علت و معلولی
آزمایش	روشی کنترل‌شده که پژوهش‌گر، متغیر مستقل را کنترل کرده تا اثر آن را بر متغیر وابسته ببیند. به دو صورت آزمایشگاهی و میدانی انجام می‌شود.	کشف ارتباط علت و معلولی، کاملاً کنترل‌شده به خصوص در روش آزمایشگاهی	احتمال عدم تعمیم یافته‌های آزمایشگاه به موقعیت‌های بیرونی

طرح‌های پژوهشی در روان‌شناسی رشد

مطالعات طولی و مقطعی در مطالعه رشد و تحول، بیشترین کاربرد را دارند. طرح زنجیره‌ای نیز برای رفع معایب این دو روش ایجاد شده است. ویژگی این روش‌ها را در جدول زیر می‌بینید.

متخصصان رشد به ندرت می‌توانند مستقیماً تغییرات زندگی روزمره را مشاهده کنند، چون تغییرات کند و آهسته هستند. اما در روشی به نام «مطالعه میکروژنتیک»، می‌توان این فرایند را در چهارچوب زمانی کوتاهی فشرده ساخت. مطالعه میکروژنتیک، ارزیابی مکرر یک فرد در مدت زمانی کوتاه است که به پژوهش‌گر امکان مشاهده مستقیم تغییر را می‌دهد. در این طرح، فرد در مدت کوتاهی چندین بار در معرض محرکی برای تغییر یا موقعیتی برای یادگیری قرار می‌گیرد تا فرایندهای تغییر مشاهده و تجزیه و تحلیل شوند. برای مثال، ویگوتسکی از روشی که آزمایش میکروژنتیک نامید، استفاده می‌کرد. او شرایط را دست‌کاری می‌کرد تا ببیند عملکرد کودکان را در مدت زمانی کوتاه تا چه حد می‌توان افزایش داد.

طرح پژوهشی	روش	مزایا	معایب
طولی	فرد یا افراد مشخصی چندین بار طی یک بازه زمانی، مورد مطالعه قرار می‌گیرند تا تغییرات آن‌ها با گذشت زمان بررسی شود. مطالعات طولی می‌توانند «گذشته‌نگر» باشند. در این حالت درباره یک متغیر در گذشته که فرض می‌شود با متغیر موردنظر فعلی ارتباط دارد، اطلاعاتی جمع‌آوری می‌شود (برای مثال درباره روش‌های فرزندپروری والدین در کودکی برای یک نوجوان بزهکار)	(۱) نشان دادن تداوم یا تغییرات وابسته به سن، (۲) عدم تداخل تأثیرات افزایش سن با تأثیرات مربوط به تفاوت‌های بین‌نسلی.	(۱) وقت‌گیر و هزینه‌بر، (۲) مشکلاتی در زمینه ریزش آزمودنی‌ها، سوگیری نمونه، آشنایی با آزمون در نتیجه تکرار آن، (۳) عدم تعمیم نتایج به گروه‌های نسلی متفاوت.
مقطعی	افرادی با سنین مختلف در زمانی واحد به صورت هم‌زمان مورد بررسی قرار می‌گیرند.	(۱) نشان دادن شباهت‌ها و تفاوت‌های گروه‌های سنی مختلف، (۲) سریع و به صرفه، (۳) عدم مشکل ریزش آزمودنی‌ها یا تکرار آزمون.	(۱) عدم مشخص کردن اثرات مربوط به افزایش سن، (۲) عدم نشان دادن تفاوت‌های فردی، (۳) تأثیر نتایج از اثرات مربوط به تفاوت‌های بین‌نسلی (اثر هم‌دوره یا کوهورت)

زنجیره‌ای	تلفیقی از طرح طولی و مقطعی است. شامل نمونه‌های متوالی مقطعی یا طولی است. برای مثال، ارزیابی متوالی نمونه‌های مقطعی، یا مقایسه چند مطالعه طولی هم‌زمان.	عدم معایب طرح مقطعی و طولی	صرف وقت و تلاش زیاد و تحلیل پیچیده
-----------	--	----------------------------	------------------------------------

خلاصه فصل

پژوهش کمی با داده‌های عینی و انعطاف‌ناپذیر و شاخص‌های عددی سروکار دارد. پژوهش کیفی با داده‌های منعطف درباره کیفیت و ماهیت احساسات و تجارب و باورهای شخصی سروکار دارد.

پژوهش کمی مبتنی بر روش علمی است، که با تعیین مسئله و صورت‌بندی فرضیه آغاز می‌شود. پژوهش کیفی مسیر اکتشافی دارد و بدون صورت‌بندی فرضیه، به گردآوری داده می‌پردازد.

پژوهش کمی اغلب در موقعیت‌های آزمایشگاهی انجام می‌شود. پژوهش کیفی در موقعیت‌های اجتماعی صورت می‌گیرد.

پژوهش کمی به دنبال نمونه‌گیری تصادفی جهت داشتن یک نمونه معرف است، گرچه اغلب از نمونه‌گیری در دسترس استفاده می‌کند. در پژوهش کیفی از نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدفمند استفاده می‌شود.

پژوهش کمی از روش‌های ساختاریافته استفاده می‌کند. در پژوهش کیفی بیشتر از مصاحبه و مشاهده طبیعی استفاده می‌شود.

بررسی فراتحلیلی شامل تحلیل آماری نتایج پژوهش‌هایی است که پیشتر انتشار یافته‌اند، به خصوص وقتی نتایج پایدار نبوده یا متناقض هستند.

شیوه‌های رایج جمع‌آوری داده‌های پژوهش عبارت‌اند از گزارش شخصی، آزمون‌ها و دیگر مقیاس‌های ارزیابی رفتار، و مشاهده. خلاصه این روش‌ها را در جدول مربوطه در فصل مشاهده کنید.

هنگام استفاده از مقیاس‌های عینی چند مسئله باید در نظر گرفته شود: (۱) پایایی: نتایج آزمون از زمانی به زمان دیگر تغییر نکند. (۲) اعتبار یا روایی: آزمون همان توانایی‌هایی را ارزیابی کند که ادعای سنجش آن‌ها را دارد. (۳) هنجاریابی یا استانداردسازی: آزمون برای همه افراد به یک شیوه اجرا و نمره‌گذاری شود.

چهار طرح پژوهشی اصلی در روان‌شناسی رشد عبارت‌اند از: مطالعات موردی، مطالعات قوم‌شناختی، مطالعات همبستگی، آزمایش‌ها. خلاصه این طرح‌ها را در جدول مربوطه در فصل مشاهده کنید.

مطالعات طولی و مقطعی در مطالعه رشد و تحول، بیشترین کاربرد را دارند. خلاصه‌ای از ویژگی‌ها و مزایا و معایب هر یک را در جدول مربوطه در فصل مشاهده کنید.

در مطالعه طولی، فرد یا افراد مشخصی چندین بار طی یک بازه زمانی، مطالعه می‌شوند تا تغییرات آن‌ها با گذشت زمان بررسی شود.

در مطالعه مقطعی، افرادی با سنین مختلف در زمانی واحد به صورت هم‌زمان بررسی می‌شوند.

مطالعه زنجیره‌ای تلفیقی از طرح طولی و مقطعی است؛ و شامل نمونه‌های متوالی مقطعی یا طولی است.

مطالعه میکروژنتیک، ارزیابی مکرر یک فرد در مدت زمانی کوتاه است که به پژوهش‌گر امکان مشاهده مستقیم تغییر را می‌دهد.

سؤالات کنکور کارشناسی ارشد

۱) در کدام روش پژوهش در روان‌شناسی تحولی، از افراد گروه‌های سنی مختلف به صورت هم‌زمان، اطلاعات جمع‌آوری می‌شود؟ (علوم ۱۳۹۸)

(۱) طولی (۲) بالینی (۳) مقطعی (۴) زنجیره‌ای

۲) طرح پژوهشی که از طریق ارزیابی‌های مکرر در مدت زمانی کوتاه به پژوهش‌گران امکان می‌دهد تا مستقیماً تغییر را مشاهده کنند، چه نامیده می‌شود؟ (علوم ۱۳۹۹)

(۱) زنجیره‌ای (۲) گذشته‌نگر (۳) میکروژنتیک (۴) پس‌رویدادی

۳) عبارت «طرحی پژوهشی که از طریق ارزیابی‌های مکرر در مدت زمان کوتاه به پژوهش‌گران امکان می‌دهد تا مستقیماً تغییر را مشاهده کنند»، چه نام دارد؟ (علوم ۱۴۰۳)

۱) زنجیره‌ای ۲) میکروژنتیک ۳) موردی ۴) مقطعی

سؤالات کنکور دکتری

۴) در کدام روش پژوهشی، پژوهش‌گر گروهی از آزمودنی‌ها را بارها در سنین مختلف بررسی می‌کند؟ (علوم ۱۴۰۰)

۱) طولی ۲) مقطعی ۳) زنجیره‌ای ۴) قوم‌نگاری

پاسخ تشریحی کنکور کارشناسی ارشد

۱) گزینه ۳ در طرح مقطعی، افرادی با سنین مختلف در زمانی واحد به صورت هم‌زمان مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲) گزینه ۳ متخصصان رشد به ندرت می‌توانند مستقیماً تغییرات زندگی روزمره را مشاهده کنند، چون تغییرات کند و آهسته هستند. اما در روشی به نام مطالعه میکروژنتیک، می‌توان این فرایند را در چهارچوب زمانی

کوتاهی فشرده ساخت. مطالعه میکروژنتیک، ارزیابی مکرر یک فرد در مدت زمانی کوتاه است که به پژوهش‌گر امکان مشاهده مستقیم تغییر را می‌دهد.

۳) گزینه ۲ مطالعه میکروژنتیک، ارزیابی مکرر یک فرد در مدت زمانی کوتاه است که به پژوهش‌گر امکان مشاهده مستقیم تغییر را می‌دهد.

پاسخ تشریحی کنکور دکتری

۴) گزینه ۱ در طرح طولی، فرد یا افراد مشخصی چندین بار طی یک بازه زمانی، مطالعه می‌شوند تا تغییرات آن‌ها با گذشت زمان بررسی شود.

خودنگار...

روان‌آموز